متن کامل قانون اساسی ایران

بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درمجلس خبرگان پایان یافت.

برای اظهارنظر نهائی دربارهمتن قانون اساسی جمهوری ـ اسلامی ایران که بهتصویب مجلس بررسی نهائی قانون اساسی (مجلس خبرگان) رسیده است همهپرسی از آحاد ملت ایران صورت میگیرد.

این قانون دارای یک مقدمه، ۱۲ فصل و۱۷۵ اصل میباشد متنکامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بررسی نهائی آن در مجلس خبرگان تمام شده است به شرح زیر میباشد :

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

فصل اول ـ اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری‌اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب‌اسلامی پیروزمند خود برهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی ، در همهپرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزارو سیصدو پنجاهو هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزاروسیصدو نود و نههجری قمری با اکثریت ۹۸٫۲٪کلیه کسانی که حق رای داشتند، بهآن رای مثبت‌داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به:

۱ـ خدای یکتا (لااله‌الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریع بهاو و لزوم تسلیم در برابر امر او .

۲ـ وحی‌الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳ـ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا .

۴ـ عدل خدا در خلقت وتشریع .

۵ـ امامت و رهبری مستمرو نقش‌اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶ـ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسئولیت او در برابرخدا ، که از راه :

الف ـ اجتهاد مستمرفقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم‌اجمعین

ب ـ استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج ـ نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی وسلطه‌گری و سلطه‌پذیری

قسط و عدل و استقلال سیاسی‌واقتصادی واجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین میکند.

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی‌ایران موظف‌است برای نیل بهاهداف مذکور در اصل دوم ،همه امکانات خود را برای امور زیر بکاربرد.

۱ـ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیهٔ مظاهر فساد و تباهی .

۲ـ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همهٔ زمینه‌ها با استفاده صحیح ازمطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر.

۳ـ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه ، در تمام سطوح‌وتسهیل تعمیم آموزش عالی .

۴ـ تقویت روح بررسی و تتبع وابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان .

۵ـ طرد کامل استعمار و جلوگیری‌از نفوذ اجانب .

۶ـ محو هرگونه استبداد وخودکامگی وانحصار طلبی.

۷ـ تامین آزادیهای سیاسی واجتماعی در حدود قانون .

۸ـ مشارکت عامهٔ مردم‌درتعیین‌سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌خویش.

۹ـ رفع تبعیضات ناروا و ایجادامکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰ـ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱ـ تقویت کامل بنیهٔ دفاع ملی از طریق آموزش نظامی‌عمومی‌برای حفظ‌استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲ـ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کادر بهداشت وتعمیم بیمه.

۱۳ـ تامین خودکفائی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی وامور نظامی و مانند اینها.

۱۴ـ تامین حقوق همه جانبه افراد از زن‌ومرد وایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون .

۱۵ـ توسعه و تحکیم برادری اسلامی‌و تعاون عمومی بین‌همهٔ مردم.

۱۶ـ تنظیم سیاست خارجی کشوربراساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت بههمهٔ مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم

کلیهٔ قوانین و مقررات مدنی جزائی، مالی، اقتصادی ، اداری، فرهنگی، نظامی ، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد این اصل براطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین‌و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهدهٔ فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم

در زمان غیبت حضرت‌ولی‌عصر ،عجل‌الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهدهٔ فقیه عادل و باتقوی آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که اکثریت مردم اورا به رهبری شناخته‌و پذیرفته باشند، و در صورتیکه هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبری یاشورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصدوهفتم عهده‌دار آن میگردد.

اصل ششم

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود ، ازراه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای ملی ،اعضای شوراها ونظائر اینها، یا از راه همهپرسی در مواردی که‌در اصول دیگر این قانون معین‌میگردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم :

«وامرهم شوری بینهم » .

و «شاورهم فی‌الامر» شوراها: مجلس شورای ملی،شورای استان، شهرستان ،شهر، محل، بخش ، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم‌گیری واداره امور کشورند .

موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات‌و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین میکند.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت‌بخیر، امر بمعروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهدهٔ مردم نسبت بهیکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت بهدولت. شرایط و حدود و کیفیت آنراقانون معین میکند.

«والمومنون والمومنات‌بعضهم‌اولیاء بعض یامرون بالمعروف وینهون عن‌المنکر»

اصل نهم

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفهٔ دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه‌یا مقامی حق ندارد بهنام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ونظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای‌وارد کند و هیچ مقامی‌حق‌ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع‌را، هرچند باوضع قوانین و مقررات، سلب‌کند.

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی‌جامعهٔ اسلامی است، همهٔ قوانین و مقررات وبرنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق‌و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم

بحکم آیهٔ کریمه «ان‌هذه‌امتکم‌امةواحده وانابربکم فاعبدون» همهٔ مسلمانان یك امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف‌است سیاست کلی خود را برپایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قراردهد و کوشش پی‌گیر بعمل آورد تاوحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصلا دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام‌و مذهب‌جعفری اثنی‌عشری است و این اصل‌الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی وزیدی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند ودر تعلیم‌وتربیت‌دینی و احوال‌شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی‌مربوط به‌آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریك از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی‌درحدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهدبود، باحفظ حقوق پیروان سایرمذاهب.

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی‌تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آئین خود عمل میکنند.

اصل چهاردهم

بحکم آیهٔ شریفه«لاینهاکم‌الله عن‌الذین لم‌یقاتلوکم فی‌الدین ولم‌یخرجوکم من‌دیارکم ان‌تبروهم وتقسطوا الیهم ان‌الله یحب‌المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت بهافراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط وعدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند . این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام‌و جمهوری اسلامی ایران توطئه واقدام نکنند.

فصل دوم ـ زبان،خط، تاریخ وپرچم رسمی کشور

اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترك مردم‌ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید بااین‌زبان‌وخط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس ، در کنار زبان فارسی آزاداست.

اصل شانزدهم

از آنجا که زبان قرآن و علوم ومعارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملا باآن آمیخته است این زبان باید پس ازدوره ابتدائی تا پایان دورهٔ متوسطه در همهٔ کلاسها و در همهٔ رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم

مبدء تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلم) استوتاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است امابنای‌کار اداراتدولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هیجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز وسفید و سرخ با علامت‌مخصوص‌جمهوری اسلامی و شعار «الله‌اکبر» است .

فصل‌سوم ـ حقوق‌ملت

اصل نوزدهم

مردم ایران از هرقوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند ورنك، نژاد ، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود .

اصل بیستم

همه افرادملت اعم‌اززن و مردیکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی بارعایت موازین‌اسلام‌برخوردارند.

اصل بیست‌و یکم

دولت موظف است حقوق زن رادرتمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد .

۱ـ ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او .

۲ـ حمایت مادران ، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند ، وحمایت از کودکان بی‌سرپرست .

۳ـ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده .

۴ـ ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان و زنان سالخورده وبی سرپرست .

۵ـ اعطای قیمومت فرزندان بهمادران شایسته در جهت غبطهٔ آنها در صورت نبودن ولی شرعی .

اصل بیست‌و دوم

حیثیت ، جان ، مال، حقوق ،مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند .

اصل بیست‌و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس رانمی‌توان بصرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض‌و مواخذه قرارداد.

اصل بیست‌و چهارم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام‌یا حقوق عمومی باشد . تفصیل آنرا قانون معین میکند .

اصل بیست‌و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه ها ، ضبط وفاش کردن مکالمات تلفنی ، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس ، سانسور ، عدم مخابره و نرساندن آنها ،استراق‌سمع وهرگونه تجسس ممنوع است مگر بحکم قانون .

اصل بیست‌و ششم

احزاب ،جمعیت‌ها ، انجمن‌های‌سیاسی وصنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند ، مشروط‌باینکه اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند . هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت‌در یکی از آنها مجبور ساخت .

اصل بیست‌و هفتم

تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها ، بدون حمل سلاح ، بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است .

اصل بیست‌و هشتم

هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح‌عمومی وحقوق دیگران نیست برگزیند .

دولت موظف است‌بارعایت نیازجامعه به مشاغل گوناگون برای همه افرادامکان اشتغال به‌کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید .

اصل بیست‌و نهم

برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیکاری ، پیری ، از کار‌افتادگی ،بی‌سرپرستی ، درراه ماندگی ، حوادث و سوانح ونیاز به خدمات بهداشتی ودرمانی و مراقبت های پزشکی بصورت بیمه و غیره حقی است همگانی .

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمد های عمومی‌و درآمدهای‌حاصل از مشارکت مردم ، خدمات و حمایت های مالی فوقرا برای یك‌یك افراد کشورتامین کند .

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسائل آموزش وپرورش رایگان را برای همه ملت‌تاپایان دوره متوسطه فراهم سازدووسائل‌تحصیلات عالی را تاسرحد خودکفائی کشور بطور رایگان گسترش دهد .

اصل سی‌ویکم

داشتن مسکن متناسب بانیاز ، حق هرفرد و خانواده ایرانی است . دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل رافراهم کند .

اصل سی‌و دوم

هیچکس رانمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند . در صورت بازداشت ، موضوع‌اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به‌متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه ، در اسرع‌وقت فراهم گردد . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود .

اصل سی‌وسوم

هیچکس رانمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع‌یاباقامت در محلی مجبور ساخت ، مگر در مواردی که قانون مقرر میدارد .

اصل سی‌وچهارم

دادخواهی حق مسلم هرفرد است و هرکس می‌تواند بمنظوردادخواهی‌بهدادگاه های صالح رجوع نماید . همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه ها را دردسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که بموجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد .

اصل سی‌وپنجم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته‌باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل‌فراهم گردد .

اصل سی‌و ششم

حکم به مجازات واجراء آن بایدتنها از طریق دادگاه صالح و بموجب قانون باشد .

اصل سی‌و هفتم

اصل ، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود ، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت‌گردد.

اصل سی‌و هشتم

هرگونه شکنجه برای گرفتن‌اقرار ویا کسب اطلاع ممنوع است .اجبارشخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است .

متخلف از این‌اصل طبق‌قانون‌مجازات مجازات میشود .

اصل سی و نهم

هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تبعید شده بهرصورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است .

اصل چهلم

هیچکس نمی‌تواند اعمال حق‌خویش را وسیله اضرار به غیریا تجاوز بمنافع عمومی قرار دهد .

اصل چهل‌و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم‌هرفرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند ،مگربدرخواست خود او یا در صورتیکه به‌تابعیت کشور دیگری در آید .

اصل چهل‌و دوم

اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی‌ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند .

فصل چهارم ـ اقتصاد وامور مالی

اصل چهل‌و سوم

برای تامین استقلال اقتصادی جامعه وریشه‌کن‌کردن فقرو محرومیت‌وبرآوردن نیاز های انسان در جریان رشد ، با حفظ آزادگی او ، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود :

۱ـ تامین نیاز های اساسی : مسکن، خوراك ، پوشاك ، بهداشت،درمان،آموزش وپرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه .

۲ـ تامین شرایط و امکانات‌کاربرای همه بمنظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسائل کار در اختیار همه‌کسانی که قادر بکارند ولی وسائل کارندارند ، در شکل تعاونی ، از راه وام بدون بهره یا هرراه مشروع دیگر که نه به‌تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یك کارفرمای بزرك مطلق در آورد . این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یك از مراحل رشد صورت گیرد .

۳ـ تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چندان باشد که‌هرفرد علاوه‌بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی ، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال د رهبری کشور و افزایش مهارت وابتکار داشته باشد .

۴ـ رعایت آزادی انتخاب شغل ، و عدم اجبار افراد به‌کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری .

۵ـ منع اضرار بغیروانحصار واحتکار وربا و دیگر معاملات باطل و حرام .

۶ـ منع اسراف و تبذیر درهمه‌شئون مربوط به اقتصاد، اعم‌ازمصرف ،سرمایه‌گذاری ، تولید ، توزیع و خدمات

۷ـ استفاده از علوم و فنون وتربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه‌و پیشرفت اقتصاد کشور .

۸ـ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور .

۹ـ تاکید برافزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی راتامین کند و کشور را به مرحله خودکفائی برساند و از وابستگی برهاند .

اصل چهل‌و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه‌سه بخش دولتی، تعاونی‌وخصوصی با برنامه‌ریزی منظم وصحیح استواراست.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو ، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی ، رادیو و تلویزیون،پست وتلگرافوتلفن،هواپیمائی، کشتیرانی،راهوراه‌آهن ومانند اینها است که بهصورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است .

بخش تعاونی شامل شرکتها وموسسات تعاونی تولید وتوزیع است که در شهرو روستا برطبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود .

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت ، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی وتعاونی است .

مالکیت دراین سه بخش تاجائی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین‌اسلام‌خارج نشودوموجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت‌قانون جمهوری اسلامی است .

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین میکند .

اصل چهل‌و پنجم

انفال وثروت‌های عمومی ازقبیل زمین های موات یارها شده، معادن ، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌هاوسایرآبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارثبدون وارث ،واموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود ، دراختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت‌بهآنها عمل نماید.تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین میکند .

اصل چهل‌و ششم

هرکس‌مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش است‌وهیچکس نمی‌تواند بهعنوان مالکیت نسبت بهکسب وکار خود امکان کسب وکار را ازدیگری سلب کند.

اصل چهل‌و هفتم

مالکیت شخصی که ازراه مشروع باشد محترم است. ضوابط آنرا قانون معین می کند .

اصل چهل‌وهشتم

در بهره‌برداری ازمنابع طبیعی‌واستفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. بطوریکه هرمنطقه فراخور نیازهاو استعداد رشد خود، سرمایه وامکانات‌لازم در دسترس داشته باشد .

اصل چهل‌و نهم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا،غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات ، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاریها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دائرکردن اماکن فسادوسایر موارد غیرمشروع را گرفته وبصاحب حق‌رد کند و درصورت معلوم نبودن او بهبیت‌المال بدهد این حکم باید بارسیدگی تحقیق و ثبوت شرعی بهوسیله دولت اجراشود.

اصل پنجاهم

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدباید در آن حیات اجتماعی رو بهرشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد . از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب‌غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کنند، ممنوع‌است.

اصل پنجاه و یکم

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر بموجب قانون. موارد معافیت‌وبخشودگی وتخفیف مالیاتی بموجب قانون مشخص می شود .

اصل پنجاه و دوم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت‌تهیه و برای رسیدگی‌وتصویب بهمجلس‌شورای ملی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر درارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود .

اصل پنجاه وسوم

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد .

اصل پنجاه و چهارم

دیوان محاسبات کشور مستقیما زیرنظر مجلس شورای‌ملی‌می‌باشد. سازمان‌و اداره امورآن درتهران‌ومراکز استان‌ها بموجب قانون تعیین خواهد شد .

اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات کلیه حساب های وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکتهای دولتی وسایر دستگاههائی که بنحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده وهروجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد . دیوان‌محاسبات، حساب‌هاو اسناد و مدارک مربوطه رابرابرقانون جمع‌آوری‌وگزارش تفریغ بودجه هرسال را بانضمام نظرات خود بهمجلس شورای ملی تسلیم مینماید. این گزارش باید در دسترس عموم‌گذاشته شود .

فصل پنجم ـ حق‌حاکمیت وقوای ناشی از آن

اصل پنجاه‌و ششم

حاکمیت مطلق برجهان وانسان از آن خداست وهم او ، انسان را برسرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یادرخدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد وملت این حق خدادادرا از طرقی که در اصول بعد می آید اعمال می کند .

اصل پنجاه‌و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی‌ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیرنظر ولایت امر و امامت‌امت، برطبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این‌قوا مستقل از یکدیگرندو ارتباط میان آنها بوسیله رئیس جمهور برقرار می گردد .

اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه ازطریق مجلس‌شورای ملی است که‌از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود ومصوبات آن پس ازطی مراحلی که‌دراصول بعد می‌آید برای اجرا بهقوه مجریه وقضائیه ابلاغ می‌گردد.

اصل پنجاه‌و نهم

درمسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی وفرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه ازراه همهپرسی ومراجعه مستقیم به آراءمردم‌صورت گیرد. درخواست مراجعه به‌آراء عمومی‌بایدبتصویب دوسوم‌مجموع نمایندگان مجلس برسد .

اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که‌در این قانون مستقیما برعهده رهبری گذارده شده،ازطریق رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است .

اصل شصت‌و یکم

اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری است‌که‌بایدطبق موازین‌اسلامی تشکیل شود وبه‌حل وفصل دعاوی وحفظ حقوق عمومی وگسترش واجرای عدالت ، اقامه حدود الهی بپردازد .

فصل ششم ـ قوه مقننه

مبحث اول ـ مجلس‌شورای ملی

اصل شصت‌و دوم

مجلس شورایملی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم وبا رای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می‌گردد .

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب ـ شوندگان وکیفیت انتخابات را قانون‌معین خواهد کرد .

اصل شصت و سوم

دوره نمایندگی مجلس‌شورای ملی‌چهار سال است. انتخابات هردوره باید پیش‌از پایان دوره قبل برگزار شود بطوری که کشور در هیچ‌زمان بدون مجلس نباشد.

اصل شصت‌و چهارم

عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است وپس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد وپنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می شود . زرتشتیان وکلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری وکلدانی مجموعا یک نماینده ومسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند و در صورت افزایش جمعیت هریک از اقلیت‌ها پس‌از هر ده سال به‌ازای هریکصدوپنجاه هزار نفر اضافی یکنماینده اضافی‌خواهند داشت مقررات مربوط به‌انتخابات‌راقانون معین می‌کند .

اصل شصت‌و پنجم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات‌مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب‌طرحها ولوایح طبق آئین‌نامه مصوب داخلی‌انجام می‌گیرد مگر درمواردی که‌درقانون‌اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد .

برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دوسوم حاضران لازم است .

اصل شصت‌و ششم

ترتیب انتخاب رئیس‌و هیات رئیسه‌مجلس و تعداد کمیسیونها ودوره تصدی آنهاو امور مربوط بهمذاکرات و انتظامات‌مجلس بوسیله آئین‌نامه داخلی مجلس معین می گردد .

اصل شصت‌و هفتم

نمایندگان باید درنخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یادکنندو متن‌قسم‌نامه را امضاء نمایند .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«من در برابر قرآن مجید، بخدای‌قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه برشرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام ونگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت‌ایران‌ومبانی جمهوری‌اسلامی باشم، ودیعه‌ای‌راکه ملت‌بهما سپرده‌بعنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت ، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای‌کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پای‌بند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و درگفتها ونوشته‌ها و اظهار نظرها، استقلال کشورو آزادی مردم و تامین مصالح آنها را مد نظر داشته باشم.

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

نمایندگانی که‌در جلسه نخست شرکت‌ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا میکنند مراسم سوگند را بجای آورند.

اصل شصت‌و هشتم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و تایید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یاتمامی مملکت‌برای مدت معینی متوقف میشود و در صورت‌عدم تشکیل مجلس جدید ، مجلس سابق همچنان بکار خود ادامه خواهد داد.

اصل شصت‌و نهم

مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی‌باشد وگزارش کامل آن از طریق رادیو وروزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت‌امنیت کشور ایجاب کند، بهتقاضای نخست‌وزیر یا یکی از وزراء یاده نفر از نمایندگان، جلسه‌غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه‌چهارم مجموع‌نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل هفتادم

رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیران باجتماع یا بانفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشندودر صورتیکه‌نمایندگان لازم بدانند، رئیس جمهور و نخست وزیر و وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضاکنند مطالبشان استماع میشود.

دعوت رئیس جمهور به مجلس بایدبه‌تصویب اکثریت برسد.

مبحث دوم ـ اختیارات وصلاحیت مجلس شورای ملی

اصل هفتادو یکم

مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی میتواند قانون وضع کند.

اصل هفتاد و دوم

مجلس شورای ملی‌نمی‌تواند قوانینی‌وضع کند که با اصول واحکام مذهب رسمی کشور یاقانون اساسی مغایرت داشته باشد.تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود وششم آمده برعهده شورای نگهبان است.

اصل هفتاد و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین میکنند نیست.

اصل هفتاد و چهارم

لوایح قانونی پس از تصویب‌هیات وزیران بهمجلس تقدیم میشود وطرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورایملی قابل طرح است.

اصل هفتاد و پنجم

طرحهای قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان‌در خصوص لوایح قانونی‌عنوان میکنند و بهتقلیل درآمد عمومی یاافزایش‌هزینه های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل‌طرح در مجلس است که در آن طریق جبران‌کاهش درآمد یاتامین هزینه جدید نیزمعلوم شده‌باشد.

اصل هفتادو ششم

مجلس شورایملی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل هفتاد و هفتم

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی‌بایدبه تصویب‌مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و هشتم

هرگونه تغییر درخطوط مرزی ممنوع‌است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور بشرط اینکه یک طرفه نباشد وبه استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و بهتصویب سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و نهم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای‌ملی موقتا محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن بهرحال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتیکه ضرورت همچنان باقی باشد.دولت موظف است مجددا ازمجلس کسب مجوز کند.

اصل هشتادم

گرفتن ودادن وام یاکمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید بـا تصویب مجلس شورای